



قرآن از منظر کوانتومکانیک

● خدیجه معین

نمونه هایی از اعجازهای علمی قرآن

و از این جهت
در این کتاب
از افکار زمین و زمان، که
بسیاری که به این اعجازها عنایت
نکردند، این حرکتی برای اعجازها افزوده
شده و در این کتاب با مطالعه و تحقیق و بلاغت غیر
عادی، سعی شده است تا این اعجازها را برای عموم
قابل فهم و درک کند.

معاندان، می‌تواند، خاطر هر خداخواهی را جمع کند که این کتاب، از سوی خداوند یکتا نازل شده است.

یک مطلب ظریفی در باب اعجازهای علمی، مطرح است که نباید به موازات هر کشف جدید، آیات را جهت‌دهی نماییم و بگوییم مقصود از این آیه، فلان کشف است. آری برخی از اعجازها آن گونه روشن و آشکار است که هیچ جایی برای تأویل ندارد؛ مانند: زوجیت همه پدیده‌ها، جریان خورشید، شعله‌ور شدن دریاها (که تا کنون به نیکی روشن نشده است)، اندوختن آتش از دوران سرسبزی درخت، متیر و نورانی بودن خورشید و ماه، تعداد آسمانها و ...

امید است که نسل اهل مطالعه ما با تأمل و انس با این کتاب جاذب و بحر بی‌کران (قرآن) بر اراده خود پای فشاری کنند.

دکتر بوکای در قسمتی از کتاب خود، اشاره به مبانی علمی قرآن و موافقت آنها با داده‌های بشری و کشفیات جدید، می‌کند. وی سخن از «فراوانی موضوعات اطلاعات علمی»، در قرآن می‌راند:

«موضوع‌هایی نظیر: آفرینش نجوم، شرح پاره‌ای مطالب راجع به زمین، طبقه حیوان، طبقه نبات، تولید مثل انسان، ... در حالی که خطاهای علمی عظیمی در «عهدین» وجود دارند، و در این کتاب «قرآن» اثری از آن خطاها نیافتیم. و این امر مرا ناگزیر کرد از خود بپرسم: اگر بشری مصنف قرآن می‌بود (منظور بشر عادی و غیر پیامبر) چطور می‌توانسته است در قرن هفتم میلادی چیزی بنویسد که امروزه با شناخت‌های دانش نو موافق باشد؟!»

در خصوص موضوعاتی که دکتر بوکای در کتاب خود آورده، برای هر یک نمونه‌هایی ذکر کرده که از حوصله این مقاله خارج است، ولی به جهت اهمیت مطالب آدرس بعضی از آیات به عزیزان داده می‌شود.

موضوع آفرینش آسمان و زمان: ۲۷ تا ۳۳ تا نزاعات، ۴۱ و ۴ سجده، ۲۹ بقره، ۱۶-۱۵ نوح، ۳، ملک

موضوع نجوم: ۶۱، ۹۷ و ۹۶ انعام، ۳۹ یس، ۶۱ فرقان، ۱۳ و ۱۲ انشاء، ۳- اطارق، ۱۶ و ۱۵ نوح، ۵ یونس، ۱۶ و ۱۲ انحل

موضوع سلسله‌های نباتی و حیوانی: ۴۵ نور، ۵۳ طه، ۹۹ انعام، ۱۱ و ۱۰ انحل، ۳ رعد، ۲۶ یس، ۴۶ و ۴۵ نجم

موضوع تولید مثل انسان: ۷ و ۶ انفطار، ۴ نحل، ۱۳ مؤمنون، ۲ دهر، ۵ حج

دکتر بوکای به حقیقت اذعان دارد که عظمت قرآن به حدی است که انسان کاوشگر برای فهم آیات آن نمی‌تواند تنها به معلومات عمیق زبان‌شناسی متکی باشد،



بلکه علاوه بر آن، باید دارای اطلاعات «علمی بسیار متنوع» باشد و چنین روشی با چندین دانش مرتبط است که خود دایره‌المعارف می‌باشد. البته ایشان در فرازهای دیگر صریحاً می‌گویند که هنوز بسیاری از داده‌های علمی قرآن با کشفیات علمی جدید مُیسّر نشده است که در آینده باید راز آنها آشکار گردد.

در این فراز اشاره‌ای به یکی از آیات مورد بحث می‌نماییم و از دریچه مباحث نوین به آن می‌نگریم.

در سوره صافات آیه ۵، اشاره به «مشارق» نموده است: «رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ رَبِّ الْمَشَارِقِ ...» که ضمن بیان عظمت الهی، بر ایجاد پدیده‌های گوناگون، به «کرویت زمین» اشاره کرده است.

در تفسیر این آیه و یکی از معانی «مشارق» مفسر این گونه می‌گوید:

«یکی از معانی مشارق این است که زمین به خاطر کروی بودن هر نقطه‌ای از آن، نسبت به نقطه دیگر مشرق و مغرب محسوب می‌شود، و به این ترتیب آیه فوق ما را به کرویت زمین و مشرق‌ها و مغرب‌های آن توجه می‌دهد.»

البته لازم به ذکر است که به گفته تفسیر نمونه در آیه، مغرب به صورت مفرد آمده ولی در جای دیگر، در سوره معارج آیه ۴۱ لفظ «مغارب» بکار برده شده است؛ که شاید به دلیل اینکه گاه بخشی از کلام را به قرینه بخش دیگر حذف می‌کنند و گاه هر دو را با هم می‌آورند، و در این آیه مذکور، ذکر مشارق قرینه‌ای است برای مغارب و این تنوع در بیان از فنون فصاحت و بلاغت محسوب می‌شود.

در آیه بعد در همان سوره صافات، خداوند به نکته علمی و معجزه دیگر اشاره دارد: «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» «ما آسمان پایین را با ستارگان تزیین کردیم».

ذیل این آیه در تفسیر نمونه بیان شده است که: «نکته قابل توجه و تأمل این جاست که قرآن می‌فرماید: «آسمان پایین» را با کواکب تزیین کردیم، در حالی که فرضیه‌ای که در آن زمان بر افکار و دانشمندان حاکم بود، می‌گفت فقط آسمان بالا، آسمان ستارگان ثوابت است (آسمان هشتم، طبق فرضیه بطلمیوس).

به گفته این دانش‌پژوه غیرمسلمان (دکتر بوکای): «چگونه مردی که ابتدا بی‌سواد بوده توانسته باشد، علاوه بر اینکه از نظر ادبی برترین مصنف تمام ادبیات عرب گردد، حقایق واحد جنبه علمی را نیز بیان کند، که هیچ موجود بشری آن زمان تدارک ندیده و این امر را بدون اینکه کمترین اشتباهی نماید، انجام داده باشد. و ایده‌های علمی که داده است



متعلق به

زمان خودش نباشد

و قرن‌ها بعد ثابت شده یا در

آینده ثابت خواهد شد، موافق آید. ایشان می‌گویند: به نظر من هیچ تقریر بشری برای قرآن وجود ندارد. (و یک معجزه الهی است). و هیچ شکی برایم باقی نمی‌ماند، که نصی از قرآن که امروز در دست داریم (چنانچه جرأت گفتن آن را داشته باشم) همان نص عصر نزول قرآن است.» (۱)

این چنین است که خود قرآن سفارش به خواندن و تفکر و تدبر آیات الهی را می‌نماید، و نیز معصومین (ع) تا این اندازه سفارش اکید به یاددهی، یادگیری، و بهره‌مندی از قرآن می‌نمایند؛ تا آنجا که پیامبر وحی (ص) زنده شدن دل را موقوف به خواندن و عمل کردن به قرآن می‌نماید. و امر می‌کنند که: «قرآن بخوانید تا دل را زنده نگه دارید!» (۲) که البته به گفته شهید صدر (ره): «باید دل‌ها را به قرآن عرضه کرد، به جای اینکه عقل و فکرها را به قرآن عرضه نمود.» (۳)

امید است همه امت محمد (ص) علاوه بر تلاوت و قرائت قرآن که حسنات بسیار دارد، به مطالعه تفاسیر و متون تحلیلی و پژوهشی در این زمینه پردازند، تا علاوه بر سیراب کردن کام تشنه خود از این معرفت و علوم، بر میزان توحیدی شدن و معرفت الهی خود بیفزایند و رو به سوی جامعه‌ای تحقیقی توحیدی به پیش رویم. انشاءالله والسلام

مصادر و منابع:

- ۱- مقایسه‌ای میان: تورات، انجیل، قرآن و علم. تألیف: دکتر بوکای، ترجمه مهندس ذبیح‌الله دبیر
- ۲- میزان‌الحکمه
- ۳- تفسیر نمونه